

## حجت التفاسیر و گرایش‌های تفسیری عبد الحجت بلاغی

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۲/۱۸ تاریخ پذیرش: ۹۳/۵/۲۰

عماد مرادی؛ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه کاشان

### چکیده

تفسیر حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر یا مَنْ لایحضرهُ المفسر و التفسیر، تفسیری ده جلدی از تفاسیر معاصر شیعه است که توسط سید عبد الحجت بلاغی، دانشمند ایرانی، فارسی زبان نوشته شده است که هفت جلد آن اختصاص به تفسیر دارد و دو جلد نخستین درباره فضای کلی نزول قرآن و عوامل آن است و جلد دهم نیز متعلق به تعلیقات و توضیحات تکمیلی است. این نوشتار به معرفی گرایش‌های تفسیری سید عبد الحجت بلاغی می‌پردازد. تفسیر حجة التفاسیر تفسیری جامع است که نویسنده با توجه به سلوک عرفانی خود رنگ مایه‌های عرفانی نیز به تفسیر خود بخشیده است. ویژگی‌های مهم این تفسیر، بهره‌گیری از معلومات عمومی درباره شناخت ادیان و مقایسه آن با دین اسلام و کتاب آسمانی قرآن، طرح مباحث تاریخی، نقل قصص، حکایات و شواهد تاریخی و استفاده از اشعار عرفانی در مراد خداوند است که بحث‌های کتاب را جاذبه می‌بخشد و تفسیر را خواندنی‌تر می‌کند.

کلید واژه‌ها: تفسیر، حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر، عبد الحجت بلاغی، مفسر.

موضوع روش‌های تفسیری از جمله مباحثی است که دانشمندان شیعی به صورت فنی، عمیق و گسترده جوانب آن را مورد تحقیق و بررسی قرار نداده‌اند، برخلاف علمای اهل سنت که به طور گسترده در این زمینه کتاب‌های مبسوطی ارائه داده‌اند. بیش‌تر کتاب‌هایی که در این زمینه نگاشته شده، با عنوان «مناهج تفسیری» است؛ واژه مناهج، جمع منهج به معنای «راه روشن»، «روش» و «شیوه» است و مناهج تفسیری یعنی راه‌هایی که یک مفسر با استفاده از افکار و منابع صحیح و معتبر به کشف مفاهیم آیات الهی می‌پردازد. از آنجا که صحیح‌ترین منابع فهم متون دینی عبارتند از: قرآن، روایات و عقل سالم و فطری است، روش‌های تفسیری نیز شامل: «تفسیر قرآن به قرآن»، «تفسیر قرآن به روایات»، «تفسیر عقلی» و نیز «تفسیر اجتهادی» می‌شود. این روش‌ها صحیح‌ترین روش‌های تفسیری است.<sup>۱</sup>

یکی از مباحث مهم در مکاتب و روش‌های تفسیری، گرایش‌ها یا اتجاهات تفسیری است. گرایش‌های تفسیری، ویژگی‌ها و خصایص فکری یک مفسر است که پیش فرض‌ها و تراوش‌های فکری خود را در تفسیر اعمال می‌کند و این باعث می‌شود تا تفاسیر از یکدیگر متمایز گردند.

گرایش در لغت به معنای قصد، آهنگ، میل و خواهش<sup>۲</sup> آمده است. معنای اصطلاحی ترکیب «گرایش‌های تفسیری» که در عربی از آن به «اتجاهات تفسیری» تعبیر شده است نیز چندان با معنای لغوی آن بی‌ربط نیست؛ زیرا مراد از گرایش تفسیری، جهت‌گیری‌ها و سمت و سوهایی است که ذهن و روان مفسر، در تعامل با شرایط و مسائل عصر خود، بدان‌ها تمایل دارد. به باور برخی از تفسیرپژوهان، مهم‌ترین عامل پدیدآورنده گرایش‌های مختلف تفسیری «جهت‌گیری‌های عصری مفسران» است. این جهت‌گیری‌ها معلول سه عامل‌اند: ۱. دانش‌هایی که مفسر در آنها تخصص دارد؛ ۲. روحیات و ذوقیات مفسر؛ ۳. دغدغه‌های مفسر نسبت به مسائل مختلف بیرونی.<sup>۳</sup>

مؤلف تفسیر حجة التفاسیر به علت اینکه جایگاه ویژه‌ای برای عقل قائل است.<sup>۴</sup> از روش تفسیری اجتهادی در تفسیر خود بهره برده است. از طرفی با توجه به تخصص و ذوقیات ایشان در زمینه تاریخ و عرفان تفسیر ایشان گرایش تاریخی، عرفانی نیز گرفته است. در این نوشتار به دنبال چگونگی چینش مطالب و ساختار کتاب تفسیر حجة التفاسیر و بلاغ الاکسیر به گرایش‌های تفسیری سید عبدالحجت بلاغی نیز پرداخته شده است.

## ۱۳۸. ۱. معرفی مفسر

مؤلف این تفسیر ده جلدی سید عبدالحجت بلاغی حسینی عریضی نایینی، فرزند حجت الاسلام سید حسین عریضی نایینی متولد ۱۳۲۲ق در نایین و متوفای ۱۳۳۵ق، یکی از دانشمندان شیعی معاصر است.<sup>۵</sup> عبدالحجت بلاغی مشهور به حجت علیشاه، صوفی، مفسر و مورخ سلسله نعمت اللهیه و از نوادگان امام جعفر صادق علیه السلام است که در سال ۱۳۰۸ش به سلسله نعمت اللهیه وارد و مرید شمس العرفا شد و خود را حجت علیشاه نامید و پس از درگذشت شمس العرفا، مدعی جانشینی وی شد. حجة التفاسیر و بلاغ الاکسیر، مقالات الحنفاء فی مقامات شمس العرفاء، شطرنج العرفاء، تاریخ پیغمبران اولو العزم به زبان فارسی، تاریخ نجف اشرف و حیره، مشکوة الجنان (اشعار منظوم) از آثار او به شمار می‌رود.<sup>۶</sup> وی دارای مسلک عرفانی بوده و تخصص ایشان در زمینه تاریخ و ذوق شعری در آثارش مشهود است.

## ۲. چگونگی چینش مطالب در تفسیر حجة التفاسیر و بلاغ الاکسیر

### ۲-۱. روند تفسیر:

تفسیر حجة التفاسیر و بلاغ الاکسیر تفسیر کوتاهی است از مفاهیم و پیامهای قرآن که با مقدمه‌ای کوتاه درباره آیه و سوره شروع می‌شود، سپس با عنوان تفصیل به توضیح درباره یکایک واژه‌ها می‌پردازد و پیش از شروع تفسیر، ترجمه فارسی آیه را ارائه می‌دهد. در تفسیر از نکات ادبی، ذکر اشعار و امثال و وجوه تفسیری سود می‌جوید.<sup>۷</sup>

## ۲-۲. بیان مکی یا مدنی بودن سوره:

در مقدمه‌ای که در ابتدای سوره آورده مکی یا مدنی بودن و نیز تعداد آیات، تعداد کلمات، تعداد حروف هرسوره و منبع اخذ آن را در ابتدای تفسیر هرسوره بیان کرده و هر جا لازم بوده به بیان اختلاف مکی یا مدنی و تعداد آیات و کلمات نیز می‌پردازد.<sup>۸</sup>

## ۲-۳. طریقه ترجمه آیات:

ترجمه این تفسیر به روش آزاد و تفسیری است. مفسر در بند ارائه ترجمه‌ای دقیق و فنی از قرآن نبوده است. سبک این ترجمه ساده است؛ اما واژه‌گزینی آن متناسب با زمانه نیست و بعضا به دور از نثر معیار و امروزی است. حجم بسیار زیاد توضیحات تفسیر گاه ممزوج با متن ارائه شده است.<sup>۹</sup> برای نمونه به ترجمه سوره ناس توجه کنید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ: ای پیامبر! بگو: پناه می‌گیرم به پروردگار کودکان

مَلِكِ النَّاسِ: (همان) قاهر و سائس جوانان

إِلَهِ النَّاسِ: (همان) معبود سالخوردگان

مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ: از شر پچیچه شیطان (که تا از یاد پروردگار غفلت شود جلو می‌آید و به فعالیت می‌پردازد و در هنگام یاد خدا) واپس خزانده (است).

الَّذِي يُوسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ: همان شیطان که اندیشه بد در دل شایستگان می‌افکند

مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ: خواه آن شیطان از پریان باشد و خواه از آدمیان.<sup>۱۰</sup>

## ۲-۴. ارائه تفسیرهای شاذ:

مفسر، مرحله به مرحله از مراد آیات پرده برداری می‌کند به طوری که در بعضی موارد در مرحله نهایی، تفسیری شاذ ارائه می‌کند، مثلا تفسیر صراط مستقیم را فطرت نورانی نخستین می‌داند.<sup>۱۱</sup>

## ۲-۵. ارائه نکات و تعلیقات:

در پایان تفسیر بعضی از سور، نکات جالب و اضافی مربوط به سوره را با عنوان نکته یا تعلیقات می‌آورد.<sup>۱۲</sup>

## ۲-۶. استفاده از منابع گوناگون:

بلاغی از منابع گوناگونی استفاده می‌کند، گرچه در بسیاری از موارد، نامی از منبع خود نمی‌برد؛ اما استفاده از تفسیرهای مجمع البیان، صافی، تفسیر کاشفی (مواهب علیه)، انوار التنزیل، روح البیان و در لغت از مفردات راغب چشمگیر است.<sup>۱۳</sup> ایشان در بخش تعلیق درباره تفسیر مجمع البیان بیان داشته که «نه تنها این تفسیر تکیه گاهی بزرگ است برای تمام مذاهب و فرق اسلام، بلکه حجت است بر تمام ارباب ملل و نحل جهان»<sup>۱۴</sup> به همین خاطر منبع اصلی ایشان مجمع البیان است.

## ۳. تقسیمات کتاب

### ۳-۱. مقدمه:

بخش اول کتاب شامل مقدمه در دو جلد است که بحث مبسوط و جداگانه‌ای در موضوعات زیر دارد:

مباحث علوم قرآنی و آنچه که به شناخت قرآن مربوط است. همچون بحث‌های تطبیقی میان کتاب انجیل، تورات و اوستا با قرآن، تاریخ انسان و چگونگی آفرینش وی و مسائل مربوط به این موضوع از سیر تطور زندگی انسان و تاریخ پیامبران به ویژه پیامبران اولوالعزم از نوح، ابراهیم، موسی و عیسی علیهم السلام، زندگی پیامبرگرانقدر اسلام صلی الله علیه و آله و حوادث آستانه بعثت به طور مفصل و در پایان، تاریخ شهرهای مکه و مدینه و سیره پیامبر.<sup>۱۵</sup> هدف وی از طرح این مباحث، به دست دادن فضای کلی نزول قرآن و عواملی است که به نزول آیات منتهی گردیده است. از این رو می‌توان گفت این دو جلد، بحث‌های تمهیدی تفسیر قرآن است.<sup>۱۶</sup>



ژوئیه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
سال هفتم، شماره بیست و هشتم، زمستان ۱۳۹۴

### ۳-۲. تفسیر آیات قرآن:

بخش دوم کتاب شامل تفسیر آیات قرآن است که مجموعاً هفت جلد از مجموعه کتاب را تشکیل می‌دهد. ویژگی مهم این تفسیر، بهره‌گیری از معلومات عمومی درباره شناخت ادیان و مقایسه آن با دین اسلام و کتاب آسمانی قرآن است. ویژگی دیگر این تفسیر، طرح مباحث تاریخی و نقل قصص، حکایت و شواهد تاریخی است که بحث‌های کتاب را جاذبه می‌بخشد و تفسیر را خواندنی‌تر می‌کند.<sup>۱۷</sup>

۱۴۱

### حسنا

### ۳-۳. توضیحات تکمیلی:

جلد دهم نیز تعلیقات و توضیحات تکمیلی کتاب است که مانند کَشکُولی نمود می‌یابد. همانطور که خود مؤلف در مقدمه جلد دهم بیان داشته است: «از هر چمن گلی و از هر بوستان سنبل‌ی در آیام مطالعه در گلزار کتب تفاسیر و سایر کتب ارباب دانش و اصحاب بینش برای تعالیق تفسیر حجة التفاسیر فراهم گردید».<sup>۱۸</sup>

### ۴. گرایشهای تفسیری سید عبدالحجت بلاغی

#### ۴-۱. مباحث عرفانی در تفسیر حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر:

با توجه به سلوک عرفانی مفسر، مباحث عرفانی در تفسیر ایشان به وفور دیده می‌شود که در بعضی مواقع این مطالب را از دانسته‌های خود بیان کرده و در برخی موارد، مطالب جالب عرفانی مربوط به تفسیر آیه را از ملاهادی سبزواری نقل می‌کند.<sup>۱۹</sup>

#### ۴-۲. تفسیر به کمک یافته‌های علمی:

مؤلف هر جا که نیاز بوده است و اطلاعات علمی روز را داشته با کمک آن به تفسیر آیات پرداخته است.<sup>۲۰</sup> برای نمونه در تفسیر آیه ۲۴ سوره بقره ﴿فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ﴾ مراد ازاله حجاره را ذغال سنگ بیان کرده است<sup>۲۱</sup> که در این زمینه، حتی گاهی به تکلف افتاده است.<sup>۲۲</sup> گاهی نیز اطلاعات علمی زیادی

را در بخش تعالیق حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر، مطرح کرده که با آیات قرآن ارتباط پیدا می‌کند؛ ولی آیه مربوط به آن را ذکر نکرده است<sup>۲۳</sup> و یا حتی در تفسیر خود مطالب علمی را مطرح کرده که اصلا ارتباطی با آیات ندارد.<sup>۲۴</sup>

مفسر از مجلات و روزنامه‌های علمی و غیر علمی زیادی برای کمک به فهم مراد آیات استفاده کرده که اعتبار تفسیر ایشان را کمتر کرده است.

#### ۱۴۲ ۳-۴. اسباب النزول در تفسیر حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر:

اسباب النزول یا شناخت مناسبت‌ها و علت نزول آیه‌های قرآنی مجموعه اطلاعاتی است که ما را در دانستن مکان و زمان و حوادثی که منجر به فرود آمدن آیه‌ای یا تشریح حکمی گردیده یاری می‌نماید و حقا بدون آن، فهم آیات قرآنی آنچنان که باید ممکن نیست و اگر بعضی شأن نزول‌ها و مناسبت‌ها را ندانیم چه بسا در فهمیدن آیه‌ای دچار انحراف شویم چنانکه مناسبت آیه ﴿فَإِنَّمَا تُؤَلُّوا فِتْمٌ وَجْهٌ اللَّهُ﴾ (بقره: ۱۱۵) در تحرّی قبله یا درباره نماز مستحبی و نافله است و از آن، عدم وجوب روی کردن به قبله را نباید استفاده کرد و این جز با توجه به شأن نزول معلوم نمی‌شود.<sup>۲۵</sup> عبدالحجت بلاغی در موارد زیادی از اسباب النزول استفاده کرده و با عنوان مقدمه در ابتدای تفسیر آیات به آن پرداخته است و عمدتا از اسباب النزول حجتی و تفسیر کاشفی نقل کرده است.<sup>۲۶</sup> بعضی مواقع اسباب نزول را آورده؛ ولی صحت آن را رد می‌کند که این نشان دهنده استقلال رأی ایشان است.<sup>۲۷</sup>

حسنا

سال هفتم، شماره بیست و هشتم، زمستان ۱۳۹۳

#### ۴-۴. مباحث ادبی و لغوی در حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر:

عبدالحجت بلاغی به بحث لغت و صرف اهمیت به سزایی می‌دهد<sup>۲۸</sup> گاهی نیز برای بیان معنی کلمات و نیز فهم مراد آیات از اشعار استفاده کرده و با این کار مباحث ادبی تفسیر را رونق بخشیده است.<sup>۲۹</sup>

#### ۴-۵. مباحث تاریخی در تفسیر:

از ویژگی بارز این تفسیر این است که از شواهد تاریخی برای فهم مراد آیات کمک گرفته و برای این کار از تورات فراوان استفاده کرده است.<sup>۳۰</sup> و یا اینکه فقط صرفاً تاریخ را ذکر کرده و در پی تفسیر آیه نبوده است. این مورد بیشتر در بخش مقدمه و تعالیق یافت می‌شود. البته با توجه به تخصص زیاد ایشان در زمینه تاریخ در هر دو صورت اشکالات خود را هر جا که لازم بوده مطرح کرده است.<sup>۳۱</sup>

۱۴۳

#### حسنا

#### ۴-۶. تمسک به اشعار:

مرحوم بلاغی در موارد متعددی برای تبیین آیات الهی از اشعار استفاده کرده است. اشعار عرفانی به خصوص اشعار جامی، شبستری و مولوی در تفسیرش به وفور دیده می‌شود.<sup>۳۲</sup> هرچند در بعضی از مواقع منابع اشعارش را ذکر نکرده و گمان آن می‌رود که از خود سراییده باشد که این به ذوق عرفانی او برمی‌گردد.<sup>۳۳</sup>

#### ۵. نتیجه گیری

تفسیر حجت التفاسیر تفسیری جامع است که نویسنده با توجه به سلوک عرفانی خود رنگ مایه‌های عرفانی نیز به تفسیر خود بخشیده است. از موارد بارزی که در تفسیر از آن استفاده کرده اسباب النزول و بحث‌های تاریخی است. با تمسک به اشعار عرفانی نیز تفسیر خود را جذاب‌تر کرده است. علاوه بر نگاشتن کتابهایی در موضوعات تاریخ و عرفان که سرآمدی ایشان در این دو زمینه را اثبات می‌کند، گرایش تفسیری ایشان تاریخی، عرفانی نیز هست. این تفسیر در برابر دیگر تفاسیر جامع شیعی که در میان اهل علم شهره است مانند، مجمع البیان و میزان چندان قابل توجه نیست؛ اما از نظر اینکه مرحوم عبدالحجت بلاغی در تفسیر از استقلال رأی بهره برده است و در برخی از موارد بر نظرات علامه طبرسی نقد کرده است و همچنین از مباحث تاریخی و اشعار نیز استفاده کرده می‌تواند تفسیر متمایزی از دیگر تفاسیر قلمداد شود. ویژگی مهم این تفسیر، بهره‌گیری از معلومات عمومی درباره شناخت ادیان و



مقایسه آن با دین اسلام و کتاب آسمانی قرآن به شمار می‌آید. ویژگی دیگر این تفسیر، طرح مباحث تاریخی و نقل قصص، حکایت و شواهد تاریخی است که بحث‌های کتاب را جاذبه می‌بخشد و تفسیر را خواندنی‌تر می‌کند.

### پی‌نوشت‌ها:

۱. علوی مهر، حسین، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، ص ۱۰-۱۱.
۲. تبریزی، محمدحسین بن خلف، برهان قاطع، ج ۳، ص ۱۷۸۳.
۳. شاکر، محمدکاظم، مبانی و روش‌های تفسیری، ص ۴۵، ۴۸، ۴۹.
۴. بلاغی، سید عبدالحجت، حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر، جلد اول (مقدمه)، ص ۵۵.
۵. بلاغی، عبدالحجت، به کوشش: علی صدراپی خوبی، شرح احوال علامه مجلسی.
۶. جمعی از نویسندگان مجمع جهانی اهل بیت، عبدالحجت بلاغی.
۷. ایازی، سید محمدعلی، شناخت نامه تفاسیر، ص ۱۷۸.
۸. بلاغی، سید عبدالحجت، حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر، ج ۷، ص ۳۴۵.
۹. خامه گر، محمد، مجموعه مقالات: ترجمه قرآن به فارسی ۷.
۱۰. بلاغی، سید عبدالحجت، حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر، ج ۷، ص ۳۴۶.
۱۱. همان، ج ۱، ص ۱۹.
۱۲. همان، ج ۷، ص ۳۳۳ و ۳۴۷.
۱۳. ایازی، سید محمدعلی، شناخت نامه تفاسیر، ص ۱۷۸.
۱۴. بلاغی، سید عبدالحجت، حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر، جلد اول (تعلیقه)، ص ۲۲۴.
۱۵. ایازی، سید محمدعلی، شناخت نامه تفاسیر، ص ۱۷۷.
۱۶. همان.
۱۷. همان.
۱۸. بلاغی، سید عبدالحجت، حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر، جلد اول (تعلیقه)، ص ۲.
۱۹. همان، ج ۷، ص ۳۳۴.
۲۰. همان، ص ۲۴۴.

۲۱. همان، ج ۱، ص ۲۷.
۲۲. همان، جلد اول (مقدمه)، ص ۴۳؛ برای نمونه به تفسیر آیه ﴿وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ﴾ (هود: ۷) رجوع کنید.
۲۳. همان، تعلیقه، ص ۳۷.
۲۴. همان، ج ۷، ص ۲۳۸.
۲۵. حجتی، محمد باقر، اسباب النزول، ص ۱۸.
۲۶. بلاغی، سید عبد الحجت، حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر، ج ۱، ص ۲۹۰ و ۲۹۲ و ۲۹۵.
۲۷. همان، ج ۲، ص ۱۲۷.
۲۸. همان، ج ۶، ص ۲۸؛ ج ۷، ص ۲۳۵.
۲۹. همان، ج ۷، ص ۲۳۶.
۳۰. همان، ج ۱، ص ۴۵.
۳۱. همان، جلد اول، مقدمه، ص ۹۵.
۳۲. همان ج ۱، ص ۱۲-۱۳ و ۲۲.
۳۳. همان، ج ۱، ص ۱۱؛ ج ۶، ص ۳۱۸.

## منابع:

قرآن کریم.

۱. ایازی، سید محمدعلی، شناخت نامه تفاسیر، قم: کتاب مبین، ۱۳۷۸.
۲. بلاغی، سید عبد الحجت، حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر، ۱۰ مجلد، قم: حکمت، ۱۳۸۶ ق.
۳. بلاغی، عبدالحجت، به کوشش: علی صدرایی خوبی، شرح احوال علامه مجلسی، میراث حدیث شیعه، دفتر چهارم، کتابخانه مدرسه فقاقت.
۴. تریزی، محمدحسین بن خلف، برهان قاطع، به اهتمام محمد معین، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۱.
۵. جمعی از نویسندگان مجمع جهانی اهل بیت، عبد الحجت بلاغی، دانشنامه مجازی مکتب اهل بیت، قم.

۶. حجتی، محمد باقر، اسباب النزول، تهران: دفتر نشر فرهنگ، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۷. خامه گر، محمد، مجموعه مقالات: ترجمه قرآن به فارسی ۷، مرکز فرهنگ و معارف قرآن.
۸. شاکر، محمدکاظم، مبانی و روش‌های تفسیری، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۹. علوی مهر، حسین، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، قم: اسوه، چاپ اول، ۱۳۸۱.

